

یادداشت

میل مدیران شهری برای ارتقا و کلانشهرهای و سوسه انگیز

امین مومینود | تحلیلگر مسائل شهری |

برای تعریف کلانشهر مبانی و شاخص‌های مختلف و از منظرهای گوناگون به کار گرفته شده است. از جمله این شاخص‌ها، می‌توان به شاخصه‌های کارکردی و جمعیتی اشاره کرد. از نظر کارکردی عمدتاً کلانشهرها را با کارکرد اصلی خدماتی می‌شناسند. به این معنا که در مسیر تحول و تبدیل یک شهر به کلانشهر، اغلب کارکرد کشاورزی و صنعتی به تدریج به کارکرد خدماتی تغییر خواهد یافت. همچنین از جنبه جمعیتی، در اغلب تعاریف رایج‌شده از کلانشهرها، مرز رسیدن به کلانشهر حداقل یک میلیون نفر در نظر گرفته شده است. هر چند تعاریف دیگر برای کلانشهر شدن حد نصاب جمعیتی ۵ و حتی ۱۰ میلیون نفر را لحاظ کرده‌اند، اما رایج‌ترین این تعاریف، همان حداقل یک میلیون نفر است. اما استانداردهای سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۰، دارای ۸ کلانشهر است که عبارتند از: تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرج، اهواز و قم. در پس این شهرها، شهرهای دیگری همچون کرمانشاه، ارومیه و رشت قرار گرفته‌اند که خود را نزدیک به مرز یک میلیون می‌بینند و عبارتی دیگر، با لحاظ ملاک جمعیتی، مرز کلانشهر شدن قرار گرفته‌اند.

فارغ از ملاک‌های تعاریف کلانشهر و مباحثی از این دست، نکته‌ای که در رفتار و کنش‌های مجموعه مدیران شهری کشور ما قابل بررسی دارد، چرایی میل افراطی ایشان نسبت به میل شدن شهرهای تحت مدیریتشان را به کلانشهر است. به گونه‌ای که اغلب مدیران شهری که شهرشان با افزایش جمعیت روبرو شده است (چه افزایش جمعیت ناشی از رشد طبیعی و چه افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت)، با افتخار از این افزایش و نزدیک شدن به معیارهای کلانشهر شدن سخن می‌رانند، بدون آن‌که کوچکترین توجهی به کیفیت جمعیت ساکن و شرایط زیستی آن‌ها داشته باشند. این میل زایدالوصف را می‌توان به وضوح از مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان استنباط کرد، اما برای این تمایلی عملی و متعددی را می‌توان بهرشمرد. یکی از این علل به توهم شکل گرفته در ذهن مجموعه مدیریتی کشور بازمی‌گردد که معتقد است، به محض کلانشهر شدن، بودجه‌ها و کمک‌های فراوانی به منظور مدیریت و توسعه کلانشهرها تخصیص خواهد یافت. حال آن‌که با کنار کشیدن مجموعه قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حوزه مدیریت شهری کشور هیچ گونه نفع‌انگاری دال بر برخورداری کلانشهرها از امتیازاتی خاص و ویژه یافت نمی‌شود و بالعکس، آمار منبسط از اسناد رسمی بیانگر آن است که در دهه گذشته کلانشهرها کمترین سهم را از کمک‌های بلاعوض وزارت کشور داشته‌اند. از سوی دیگر، بیرون چنین طرز تفکری نسبت به نکته‌های اساسی غفلت ورزیدند و آن نکته اینجاست که به محض تبدیل شهر به کلانشهر مسائل و مشکلات ناشی از تجمع جمعیت، کار و فعالیت به صورت تصاعد حسابی افزایش نمی‌یابد، بلکه به صورت تصاعد هندسی و چند برابری فزونی خواهد یافت که همین امر منجر به دشواری کار خواهد شد. علت دیگری که در حوزه میل به کلانشهر شدن، می‌توان در مجموعه مدیریتی شهری یافت، تمایل به پروژه‌سازی و دست‌زدن به اقدامات بزرگ مقیاس است و از آن جا که گمان این است که در کلانشهرها بستر برای پیشبرد این گونه پروژه‌ها فراهم‌تر است و فرصت مناسب‌تری برای مطرح ساختن نام ایشان خواهد بود، این میل به تبدیل شهر تحت حاکمیت به کلانشهر، افزایشی قلیل ملاحظه دارد. علت دیگر می‌توان ناشی از

الناز محمدی | «ایرج فدایی» را کسی به اسم نمی‌شناسد، عکسش را با چشمانی گریان و صورتی تکیه اما این شاخصه‌ها، می‌توان به شاخصه‌های اجتماعی دست به دست کرده و البته تکان خورده‌اند. او همان کارگری است که هفته پیش به همراه تعدادی از کارگران شرکت واحد به مقابل ساختمان شورای شهر تهران رفت تا خواسته‌هایش را با اعضای آن در میان بگذارد؛ خواسته‌هایی که پیگیری تحویل‌خانه‌ای که قرار بود از ۱۴ سال پیش تعاونی مسکن شرکت اتوبوسرانی تهران به او بدهد، اصلی‌ترین آنهاست. آن روز اما اتفاقات خیابان بهشت طوری پیش رفت که در آخر، اشک او را در آورد. ایرج فدایی در روزهای گذشته، مدام اشک ریخته است؛ مثل وقتی که با دست‌هایی با مهر خورده و صورتی که در خستگی در آن پینا بود، نشست روی صندلی و گفت که خسته است و هر وقت حرف آن روز، ۱۴ آذر شد اشک به چشم‌هایش دودید. فدایی حالا ۱۷ سال است که ارائه‌دهنده اتوبوس داخل شهری است و سال‌های گذشته را شب تا صبح روزی اتوبوس‌های آبی از تی خط تهرانپارس - آزادی گذرانده است، با نفسی تنگ که یادگار آن دوسال جبهه در سال‌های دور جنگ است و البته الودگی سمج تهران.

آقای فدایی ما با شما از طریق تصاویری که از شما و در حال گریه کردن، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد؛ آشنا شدید؛ تصاویری که با تجمع شما و تعدادی دیگر از کارگران شرکت واحد، مقابل شورای شهر تهران برمی‌گردد. دلیل اعتراض شما چیست؟

مشکل ما مسکن است. از ۱۴ سال پیش قرار بود که تعاونی مسکن شرکت اتوبوسرانی به ما مسکن بدهند. آن موقع که آقای بیژنی در تعاونی بودند به چند نفر خانه دادند ولی وقتی او بر کنار شد، دیگر این موضوع پیگیری نشد.

اگر بخوانند خانه را به شما تحویل بدهند، در کدام منطقه است؟

به کسی در اطراف پاسگاه تعداد یک خانه داده‌اند، به بعضی‌ها هم در سپیدار کرج. آنها هم خانه‌هایشان وضع مناسبی ندارد و هنوز نیمه کار است.

آنان مستاجرند؟

بله. مستاجرند. بعضی‌ها هم در کرج، بعضی‌ها هم در تهران. بعضی‌ها هم در کرج، بعضی‌ها هم در تهران. بعضی‌ها هم در کرج، بعضی‌ها هم در تهران.

کجا زندگی می‌کنید؟

اطراف شهریار؛ یعنی جاده ملارد، شهرک شاهد.

چقدر اجاره خانه می‌دهید؟

۱۰ میلیون پیش داده‌ایم، ۵۰۰ هزار تومان اجاره ۲۸ سال.

ولی سن تان خیلی بیشتر از ۴۸ سال می‌زند، چند دیگر مشکلات، زیاد داشته‌ام، من بچه جبهه و جنگم.

روزمنده بودید؟ چند سال؟

۱۴ ماه سابقه جبهه دارم. من دانش آموز بودم که به جبهه رفتم و در خانواده‌مان چهار شهید داده‌ایم. برادرم هم جانباز است.

یعنی چند سال تان بود که به جبهه رفتید؟

۱۷ سال.

کدام جبهه‌ها بودید؟

خوزستان و کردستان.

چهار سال‌ها بی؟

از سال ۶۵ تا زمان آتش‌بس پنج مرحله به جبهه رفتم، هر یک ۱۰ ماه بود.

خودتان جانبازی ندارید؟

نه، نه؛ خمی سولدم ولی سطلی بود.

آنان با این مشکلات، بشیمان نیستید که چرا رفتن جبهه بودید؟

نه، به هیچ وجه.

چرا؟

به خاطر مملکت بود.

اگر دوباره جنگ بشود، بساز هم می‌روید بجنگید؟

بله، صد در صد.

چهارم حکم می‌گویید بله!

چون هم آن موقع مطمئن بودم، هم الان.

یعنی ترس ندارید؟

نه، چه ترسی. بالاخره آدم یک روز می‌میرد، مهم، کیفیت مرگ است.

چند تا بچه دارید؟

یک پسر ۱۸ ساله.

چند سال است که کارگر شرکت واحدید؟

۱۷ سال.

آنان در کدام خط اتوبوسرانی کار می‌کنید؟

در مسلمانه یک که خط بی آر تی تهرانپارس - آزادی است. شب کارم.

یعنی از چه ساعت تا چه ساعتی؟

از ساعت ۹ شب تا شش صبح.

حالا چه شد که شب کار شدید؟

به خاطر حقوقش که ۵۰۰-۴۰۰ هزار تومان از

ایرج فدایی، کارگر شرکت واحد در گفت‌وگو با «شهروند» از زندگی و روزهای کارگری اش گفت

مرد ناشناس خیابان‌ها

تصویر فدایی با چشم‌هایی گریان و در مقابل شورای شهر تهران در روزهای گذشته خیلی‌ها را تکان داده است



غیر از مسأله مسکن، مشکلات دیگری تان چیست؟

مامنیت شغلی چندانی هم نداریم. شنیده‌ام که قانون کار را دارند عوض می‌کنند که روی نیروی رسمی بودنمان تأثیر می‌گذارد و به نفع کارفرما پیش می‌رود. آلودگی هوای تهران هم ما را خیلی آذین می‌کند. من تنگی نفس شدید دارم. در این ۱۷ سال، واقعا سلامتیم تهدید شده است ولی چاره‌ای نیست، چه کار کنیم. به خاطر همین تنگی نفس، شب‌ها کار می‌کنم که کمتر آذین شوم. خوب دخل و خرچمان هم جور در نمی‌آید. باید مدارا کنیم. پسر هم ناراحتی اعصاب دارد و چند وقت یک‌بار در بیمارستان بستری می‌شود و هر چی پول داریم پای بیمارستان می‌رود.

تنگی نفس تان یادگار جبهه‌هاست؟ تقریباً. آن موقع که خوزستان و در سوسنگرد بودم، آخرهای شیمیایی به من هم رسید.

آن روز غیر از شما افراد دیگری هم بودند که روزمنده یا جانباز بوده‌باشند؟

بله، پنج نفرشان جانبازند. در میان کارگرهای شرکت واحد تعداد کسانی که روزمنده یا جانبازند، زیاد است. من هم عضو اینان گان شهر دارم تهران هستم.

می‌ناید تهران چه تعداد کارگر شرکت واحد دارد؟ حدود ۷ تا ۸ هزار نفر.

فکر می‌کنم بیشترشان هم بیرون تهران زندگی می‌کنند. درست است؟

بله، بیشترشان در حومه تهران زندگی می‌کنند. از این هفت هزار پرسنل، شاید ۵۰۰ نفرشان در تهران زندگی کنند. همه کرج، پردیس، فردیس، رباط‌کریم، قلعه حسن خان و غیره‌اند. شب آدم‌های بیچاره هم کارگر می‌شوند، آدم درست و حسابی و وضع خوب که نمی‌آید بشود. ارائه اتوبوس، با این همه مشکلات.

ناخوشایندی افتاد. کدام قسمت شما آسیب دید؟

من یک کف‌گر می‌خوردم و صورتم و سرم آسیب دید. هنوز هم به خاطر ضربه‌ای که به پشتم خورد، نمی‌توانم خوب به صندلی تکیه بدهم.

بعد از این که عکس شما منتشر شد، کسی سراغ شما را گرفت؟

عکس را چه کسی از شما گرفت؟ یکی از کارگرانی که با ما آمده بود.

از خانواده تان کسی عکس تان را دید؟

اسرور خواهرم که خراسان زندگی می‌کند، دیده و بنگران شده بود. رنگ زد گفت چی شده؟ من هم گریه‌ام گرفت.

آن روز باز داشت هم شدید؟

بله. ۱۶ نفرمان را بازداشت کردند. دو ساعت بازداشتگاه بودیم که بعدش من حالم بد شد و به بیمارستان رفتم. بیمارستان هم چون پول هم‌راهمان نبود، پذیرشمان نکرد.

آقای سرخو، عضو شورای شهر دو روز پیش از شما و همکاران تان به دلیل اتفاقاتی که آن روز افتاد معذرت خواهی کردند.

معذرت‌خواهی به چه دردی می‌خورد. جلوی زن و بچه‌های ما بامبار خورد کردند. (گریه)

در این مدت، از مردم کسی سراغ شما را نگرفتند؟

نه. من در تاریکی می‌روم سسر کار و در تاریکی برمی‌گردم. کی من را می‌شناسند؟ کی اصلا من را در اتوبوس نگاه می‌کنند که بخوانند را بشناسند؟

روز کارها بیشتر است، حداقل یک گوشه‌ای از دردمان را دوامی‌کنند.

یعنی کل در بافتی تان در ماه چقدر است؟

با اضافه کاری و همین ۴۰۰ تومان اضافه، نزدیک سه میلیون. یکسوم حقوقم بابت کرایه خانه و ایاب و ذهاب می‌رود. دیگر چیزی نمی‌ماند برآیمن.

کف حقوق و حداکثر حقوق کارگران شرکت واحد چقدر است؟

بستگی به اضافه کاری و هزار جور شرایط دیگر دارد. ولی در کل بین ۳ تا ۴ میلیون تومان است.

خب خیلی هم کم نیست. شرایط کاری ما واقعا سخت است. رانندگی بلد نبودم. هر روز در این شهر که پر از الودگی و ترافیک است، جانی برای ما نمی‌گذارد.

شما خودت با این بین یک شب می‌توانی باین کارش خوب‌ها کار کنی؟

شبه می‌آید در اتوبوس تا از سرما در خیابان بیخیزند و چون تمیز نیستند و زمستان است و شیشه‌ها سست، گرمای بخاری به آنها می‌خورد، آدم از بو خفه می‌شود. خوب به هر حال آنها هم آمدند، مان پراشان می‌شود.

چه شد که کارکنان شرکت واحد شدید؟

خب کار دیگری بلد نیستیم. فقط با رانندگی بلدیم. همان اولش هم کار دیگری بلد نبودم و به رانندگی ادامه دادیم. ما خانواده‌ای راننده‌ایم. برادرهایم هم به همین کار مشغولند.

این که راننده شدید؟

خب قسمت ما هم همین بود.

تحصیلات تان؟

دیپلم بردم.

به آن روز بر گردیدیم؛ روزی که از صورت گریان شما عکسبرداری و در سطح گسترده‌ای منتشر شد. چه شد که تصمیم گرفتید به مقابل شورای شهر بروید؟

خب مادر دوسال گذشته هم چندبار برای این موضوع جمع شده بودیم اما هیچ وقت هم جوابی نگرفتیم. قرار بود که تعاونی مسکن به صورت بلاعوض به ما خانه بدهد اما هنوز این اتفاق نیفتاده است. مشکل ما الان این است که مدام به ما می‌گویند این موضوع را بررسی می‌کنند ولی جوابی به ما نمی‌دهند.

شما چند نفر دید که این مشکل را دارید؟

دقیقاً نمی‌دانم. ولی فکر می‌کنم حدود ۵۰۰ نفر باشیم.

آن روز که مقابل شورای شهر جمع شدید، چند نفر بودید؟

حدود ۹۰-۸۰ نفر.

وقتی عکس تان در فضای مجازی، آن هم با آن حجم زیاد دست به دست شد، واکنش تان چه بود؟

خب تعجب کردم. انتظارش را نداشتم.

شد که مثلاً حس خجالت داشته باشید؟

نه خجالت برای چی؟ احساسات آن موقع من گریه بود. توقع چنین برخوردی را نداشتم و آن روز خیلی از این موضوع ناراحت شدم. خوب ما فقط می‌خواستیم

آن روز دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

ما ساعت ۱ صبح ۱۴ آذر به خیابان بهشت رفتیم. آن روز برخورد با ما با همیشه فرق داشت. قبل از این هم ما چندبار در این باره اعتراض کرده بودیم و همیشه برخورد کاملاً محترمانه‌ای با ما شده بود. اما آن روز برخوردها با ما متفاوت بود. وقتی تعدادمان زیاد شد، اتفاق‌های

ویژه

قدس و ملارد از داشتن یک تخت بیمارستان تخصصی محروم هستند

سپیده حاصلی پناه | نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در مجلس گفت: شهرستان‌های قدس و ملارد با وجود دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر از داشتن یک تخت بیمارستان تخصصی محروم هستند.

محمد محمودی شانشین ادامه داد: عموم افرادی که در شهرستان‌های شهریار، قدس و ملارد هم‌اکنون ساکن هستند، در سال‌های متمادی به این منطقه مهاجرت کرده و اکنون که این افراد در این شهرستان‌ها که جمعیتی بالغ بر یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است، با سه امید در این مناطق حضور دارند.

او گفت: عموم ساکنان این شهرستان به دنبال این هستند تا بتوانند به صورت مطلوب از سه محیط به خوبی بهره‌مند شوند و این مهم از خواسته‌های به‌حق این افراد است که در وهله اول بهره‌بردن از زیرساخت‌های مناسب بهداشتی، دوم موضوع اشتغال به خاطر وجود صنایع و واحدهای تولیدی و صنعتی متعدد و سومین مورد بهره‌بردن از نیازهای اولیه تحصیلی برای فرزندان به جهت نزدیک بودن به پایتخت است.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در مجلس در ادامه با بیان برنامه‌های پیش‌رو در پیگیری نیازها و اقدامات مربوط به شهرستان‌های حوزه نمایندگی خود گفت: در دو بخش و دو منظر تلاش داریم برنامه‌های خود را پیگیری کنیم که در وهله اول پیگیری تصویب قوانین و شرایطی است که منطقه ما را به سمت و سوی بهبود حرکت دهد که اهم آن اشتغال، تحصیل، مبارزه با رانت‌خواری و پولشویی است.

محمدی شانشین با اشاره به عدم وجود زیرساخت‌های بهداشتی در شهرستان‌های قدس و ملارد گفت: سهم‌خواهی و مطالباتی که عموم مردم این شهرستان‌ها از خدمات کشوری دارند، مورد دیگری است که به صورت جدی پیگیر آن خواهیم بود. با توجه به جمعیت بالای سه شهرستان شهریار، قدس و ملارد متأسفانه مشکلات متعددی در حوزه زیرساخت‌های بهداشتی وجود دارد و هنوز شهرستان‌های قدس و ملارد با وجود دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر از داشتن یک تخت بیمارستان تخصصی محروم هستند.

او ادامه داد: در عمده گذشته نواسته‌ایم در بخش عمرانی، ساخت بیمارستان‌ها را شروع کرده و مشکلات مربوط به پروژه مسکن نیز کاهش پیدا کرده و تلاش داریم با یکارگیری نیروی بومی جوان، اشتغال‌زایی در واحدهای تولیدی و صنعتی در این مناطق را به زودی شاهد باشیم.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در مجلس گفت: با جدیت تمام به دنبال این هستیم که با حضور فعال در تمام جلسات مجلس شورای اسلامی بتوانیم تأثیر بسزایی را در نقش‌بندی اتفاقات کشور و در کنار آن توجه ویژه به حوزه انتخابیه داشته باشیم؛ چرا که این فرصت حضور، به واسطه اعتماد عموم مردم این سه شهرستان بوده است.

جدول شماره ۱۰۰۹

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

جدول شماره ۱۰۰۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۸- ایستاده می‌میرد- تکان خوردن چیزی در جای خود- از سپران فریدون

۹- مهیا و فراهم- حشره گزنده- مایون خیاطی- ۱۰- موضوع و محیط- طایفه کریمخان- گشوده- سست و وارفته

۱۱- از وراره- اشرف مخلوقات- مرکز فرماندهی

۱۲- واحد نظامی- برای اینکه- مقایسه کردن

۱۳- ایستاده در امریکا- چمن- رشته‌هایی از پوست یا سیاه لگه

۱۴- جوانمرد- میدانی در تهران- زنی نارقی- کاغذ روزنامه

۱۵- مسالوی- نماز بدون رکوع و سجود- عرصه بوکس- ظرف روغن

۱- استخوان ششانه- مثلث جغرافیایی- فرمان

۲- تیراندازی- وحشی

۳- چهره شطرنجی- کفش روسی- واحد مسافت- حجم هندسی

۴- شگفت‌زده- تکرار شده- نیروی باری رسان

۵- نخستین زن اروپایی که به مقام نخست‌وزیری کشورش رسید- چهره و سیما-

۶- سر برکه- تازی جامه- مروارید- کلاه الف

۷- چه وقت- ديفتری- درنگ